

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نښاد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Social

اجتماعی

نویسنده: گلناز ملک
فرستنده: فرید پرواز و یادداشت پورتال
۰۳ می ۲۰۱۴

ناتاشا عضو اتحادیه می‌شود: تحلیلی درباره کار جنسی با نگاهی به تجربه هند



در این نوشته از هر دو کلمه کار جنسی و روسپیگری استفاده کرده‌ام. حدوداً چهل سال است که بحث‌های گسترده‌ای درباره چرائی استفاده از کلمه کار جنسی میان نظریه‌پردازان و فمینیست‌ها و اکتیویست‌های این حوزه درگرفته و یکی از اولین خواسته‌های تشکل‌های کارگران جنسی در سراسر دنیا جایگزینی کارگر جنسی با عنوان روسپی بوده است. همچنین کار و کارگری جنسی اشاره دقیق‌تری به حیطه خدمات و اشخاص مشغول در صنعت سکس دارد. با این وجود در ارجاع به متون تاریخی و بحث‌های مربوط به نقش سکس تجاری در جامعه به اجبار از همان اصطلاح رایج روسپی استفاده کردم. این‌که آیا مشغولیت در صنعت سکس اساساً تفاوتی با سایر صنایع ندارد و کارگران جنسی هم باید از طریق اتحادیه‌های مستقل و خودمختار، حقوق و بهبود وضعیت خود را پی‌گیری کنند، یا این‌که کار جنسی بدترین شکل خشونت، و بهره‌کشی از زنانی‌ست که باید از آن وضعیت به هر وسیله‌ای خارج شوند – مثلاً به کمک ان‌جی‌اوها و کمپین‌های نجاتی که فمینیست‌های رادیکال با حمایت مالی و معنوی نومحافظه‌کاران و بنیادهای مسیحی در سراسر دنیا راه می‌اندازند- هنوز هم دغدغه بسیاری از تحلیل‌گران فمینیست، روشنفکران، فعالان و «منجیان» اجتماعی است. این موضوع که آیا مشتری خدمات جنسی مجرم است و باید مجازات شود یا این‌که همان جایگاهی را دارد که هر کاربری که از هر خدمات دیگری استفاده می‌کند، نیز پیرو همان دغدغه است که من در این نوشته چندان به آن‌ها نمی‌پردازم.

دیگر این‌که در این‌جا مشخصاً به بحث درباره کارگران جنسی زن و مشتری‌های مرد می‌پردازم، آن‌هم صرفاً به این خاطر که شکل مسلط بازار خدمات جنسی این‌گونه است و ارتباط عریان‌تری با مقوله ستم جنسیتی دارد. گرچه به‌هیچ عنوان منکر حضور همیشگی و بی‌شمار کارگران جنسی مرد و ترنس و مصائب آن‌ها به خصوص در ارتباط با مراجعان مردشان نیستم ولی پرداختن به این مسأله در حوصله این نوشته نمی‌گنجد.

تعریف کلی که برای روسپیگری وجود دارد رابطه‌ای است که در آن رابطه جنسی با افرادی به جز همسر یا احتمالاً همسر آینده – در کل خارج از روابطی که سکس در چارچوب آن به نوعی مجاز است- و با تبادل فوری پول یا کالای ارزش‌مند صورت می‌گیرد. کلمه روسپی زنان بی‌شمار و متفاوتی را طی تاریخ زیر یک پرچم متحد کرده‌است. از هیتائیه‌های [۱] یونان باستان گرفته تا گیشاهای ژاپنی، از زنان شاغل در محدوده چراغ قرمز شهرهای اروپائی تا زنان کوچه پس‌کوچه‌های بی‌پایان کاماتیپورا [۲]، محدوده چراغ قرمز بمبئی، همه در یک چیز با هم مشترک‌اند و آن‌هم این عنوان بی‌زمان و مکان است. این حرفه که به کلیشه قدیمی‌ترین حرفه دنیا نامیده می‌شود ابعاد و لایه‌های مختلف اجتماعی دارد، با این وجود همه این زنان در یک چیز با هم مشترک‌اند؛ رابطه جنسی آن‌ها خارج از چهارچوب خصوصی خانواده یعنی جایی که سکس به تولید مثل و مراقبت و خدمت به اهالی خانواده مرتبط است اتفاق می‌افتد. به عقیده من برای درک درست مسأله روسپیگری، لازم است به نسبتی که با رابطه تک‌همسری دارد، توجه کنیم. انگلس این موضوع را این‌طور بیان می‌کند که «تک‌همسری و روسپیگری در حقیقت در تضاد با هم قرار دارند اما تضادی جدا نشدنی. آن‌ها دو قطب متضاد یک واقعیت در جامعه هستند» [۳]. در تلاش برای توضیح این دیالکتیک هم به ماهیت مشاغل جنسی در نظام سرمایه‌داری، و هم به بررسی رابطه میان رابطه جنسی در حوزه خصوصی و خارج از آن و ارتباطش با ستم علیه زنان می‌پردازم.

گرچه همیشه تکرار می‌شود که قدیمی‌ترین حرفه دنیاست، اما کار جنسی در همه جوامع، و قطعاً به شکل فعلی وجود نداشته‌است. براساس برخی نظریه‌ها روسپیگری به‌عنوان یک پدیده فرهنگی یگانه، اولین بار در منطقه بین‌النهرین دیده شده و بعدها با همان فرهنگ به مصر و یونان و هند گسترش پیدا کرده‌است. الکساندرا کولونتای [۴] از اعضای رهبری حزب بولشویک از اولین کسانی بود که بعد از انقلاب ۱۹۱۷ به تحقیق و تحلیل مارکسیستی درباره روسپیگری کمک زیادی کرد. او در سخنرانی [۵] در سال ۱۹۲۱ وجوه اختلاف میان روسپی‌گری در دوران مختلف، مانند روم و یونان باستان، و دوران سرمایه‌داری را مطرح کرد. در دوران باستان روسپیگری حرفه- تخصص گروه کوچکی از زنان بود و به چشم مکملی قانونی و قابل احترام برای روابط زناشویی انحصاری دیده می‌شد. در قرون وسطا نیز به‌عنوان شغلی قانونی که مشکلی هم برای جامعه ایجاد نمی‌کند، به حساب می‌آمد. روسپیان قرون وسطا هم به نوعی تشکل خود را داشتند و در جشن‌ها و مراسم محلی مانند هر صنف دیگری شرکت می‌کردند.

با رشد سرمایه‌داری وضعیت کارگران جنسی نیز تغییر کرد. مشاغل جنسی در قرن نوزدهم در مقیاس بزرگتر و با ویژگی‌های متفاوتی نسبت به دوران قبل گسترش پیدا کردند که بازار کار آن از جابه‌جائی عظیم اجتماعی مردمی که از کشاورزی به سمت نظام تولید صنعتی کوچ داده شده بودند، تأمین می‌شد. رشد شهرسازی، فقر و مهاجرت از عوامل عمده تغییر اصلی چهره مشاغل جنسی در قرن نوزدهم بودند و با ادامه رشد سرمایه‌داری، نظامی‌گری و جنگ‌های پی‌درپی، روسپیگری در قرن بیستم تبدیل به صنعت گسترده و متنوع سکس شد. عصر نچندان دور جهانی‌سازی و تجدید ساختار سرمایه‌داری از سال‌های ۱۹۷۰ به این سو نیز دوباره تغییر شکل تازه‌ای در صنعت سکس و وضعیت کارگران جنسی ایجاد کرد. سیاست‌های نو اقتصادی و برنامه‌های تحمیلی از سوی صندوق بین‌المللی پول در کشورهای

در حال توسعه منجر به رشد مهاجرت از مناطق روستائی، افزایش بیکاری در مناطق شهری، کاهش دستمزد و گسترش فقر شد که طبعاً عواقب آن بر زنان عمیق‌تر بود.

ساختار طبقاتی در مشاغل جنسی و کالانی‌شدن سکس

کار جنسی شاید به نظر اول در طبقه‌بندی استاندارد اقتصادی جای نگیرد اما کسانی که در این حرفه مشغول‌اند جایگاه طبقاتی متفاوتی در صنف خود اشغال می‌کنند. آن‌ها هم می‌توانند واقعاً کالا-برده باشند، هم کارگر، هم فروشنده، و یا حتی سرمایه‌دار. مانند بسیاری از خدمات و برخی صنایع تولیدی تحت نظام سرمایه‌داری، مشاغل جنسی هم در تنوع و شیوه‌های مختلف در بازار موجود است و این به خاطر نسبت متفاوتی است که افراد مختلف در این حرفه با صنعت سکس برقرار می‌کنند. گروه بزرگی از کارگران جنسی واقعاً اجیر شده‌اند. آن‌ها در استخدام افراد یا مؤسسه‌ای هستند که لازم است ساعات مشخصی برایشان کار کنند. میلیون‌ها کارگر جنسی که در محدوده‌های چراغ قرمز، خیابان‌ها، استریپ‌کلاب‌ها، هتل‌ها، سالن‌های ماساژ ویژه و غیره در سراسر دنیا که به ارائه‌ی شکلی از خدمات جنسی مشغولند در این طبقه قرار می‌گیرند. آن‌ها بر اساس میزان ساعات کاری و یا تعداد مراجعانی که می‌بینند، دستمزد می‌گیرند. این کارگران خدمات جنسی خود را مستقیماً به مشتری نمی‌فروشند. آن‌ها نیروی کار خود را به کارفرما می‌فروشند. این کار فرما – پانداز، مادام، صاحب کلاب- پول را از مشتری دریافت کرده و درصدی از آن را به کارگر جنسی می‌دهد یا این‌که درصد مشخصی از کارگر بابت معرفی مشتری دریافت می‌کند. کارگران جنسی که در چنین شرایط برده‌واری زندگی می‌کنند خود ابتداء به عنوان کالا خرید و فروش می‌شوند و سپس کارفرما بسته به سودش آن‌ها را بر سر کاری می‌گذارد. این برده‌داری مدرن ارتباط نزدیکی هم با قاچاق انسان دارد که البته محدود به کارگران جنسی نیست و شامل حال تمام کارگران زن و مرد و کودک و به خصوص مهاجرانی که در مشاغل خدماتی به صورت غیرقانونی یا کارهای پست مشغول‌اند، می‌شود.

اما این واقعیت که برده‌داری در بخشی از صنعت سکس وجود دارد نباید چشم ما را بر شرایط گروه‌های دیگر مشغول در این حرفه ببندد. بسیاری از کسانی که در این حرفه مشغول‌اند نه برده‌اند و نه اجیر شده؛ دلیل اصلی هم این است که در بیشتر نقاط دنیا محدودیت‌های قانونی درباره‌ی مشاغل جنسی مانع از رسمیت بخشیدن به این حرفه شده، و همیشه زیر سایه‌ی بازار سیاه به حیات خود ادامه داده است. برخی شاغلان این حرفه فروشنده مستقیم‌اند؛ آن‌ها برای کسی کار نمی‌کنند و فقط با مشتری سر و کار دارند. عده‌ای از آن‌ها منابع درآمد دیگری هم دارند و مالکیت محل، وسیله نقلیه، خط تلفون – ابزار کار- با آن‌هاست. این زنان طبقه‌ی خرده بورژوازی این حرفه هستند. اما وضعیت اغلب کارگران جنسی بسیار از این تصویر زن خود اشتغال طبقه‌ی متوسطی دور است. بیشتر آن‌ها فقیراند و هیچ منبع درآمد دیگری ندارند، و برای برخی از آنان مبادله به شکل بدوی کالا به کالا صورت می‌گیرد؛ مثل وقتی که خدمات جنسی با ملزومات اولیه‌ی زندگی همچون غذا، سرپناه و مواد مبادله می‌شود. آن‌ها همان گروهی هستند که مارکس اگر بود *لهمین پرولتاریا* می‌نامید. و در آخر کارفرمایانی که خود زنان دیگر را استخدام می‌کنند. گروه کوچکی از زنانی که در این حرفه مشغول می‌شوند، بعدها با عنوان مادام یا صاحب مکان‌های ارائه‌ی خدمات جنسی، کسب‌وکار خودشان را راه می‌اندازند و از نیروی کار دیگران- به شکل خدمات جنسی- بهره‌کشی می‌کنند چه خود همچنان به فروش خدمات جنسی مشغول باشند یا نه. بنابراین در سکس تجاری گروهی کارگراند، عده‌ای برده‌اند، برخی خرده بورژوا و اقلیتی هم سرمایه‌داراند.

از نظر بسیاری گناه تبدیل شدن سکس به کالا اساساً گردن کارگران جنسی است که ریشه‌ی آن به نگاهی انتزاعی و تقلیل‌گرایانه به روابط جنسی برمی‌گردد که جز بُعد رومانتیک یعنی لذت مشترک - که اغلب بعد نایاب سکس زناشویی

نیز است. خواسته یا نخواستۀ نسبت بر ابعاد دیگر رابطه جنسی چشم می‌بندد. در نظام سرمایه‌داری و جوامع طبقاتی پیش از آن، رابطه جنسی همیشه دارای ابعاد اقتصادی، و شدیداً تحت کنترل و نظارت بوده، و دلیل این کنترل نیاز به حفظ اموال و سرمایه خصوصی از طریق وارثان مشروع بوده‌است. انگلس در *منشاء خانواده*، مالکیت خصوصی و دولت، این که چگونه رشد تک‌همسری با افزایش مالکیت خصوصی همراه بوده‌است را شرح می‌دهد. «خانواده تک‌همسری برپایه برتری مردان شکل گرفته است و هدف اصلی آن تولید فرزندان است که در ابوت آن‌ها چون و چرائی نباشد زیرا این فرزندان بعدها به عنوان جانشینان طبیعی، وارث اموال پدر خواهند شد... شکل اصلی خانواده طی گذر از اشکال مختلف جوامع طبقاتی تغییرات بی‌شماری به خود دیده، اما اصل تک همسری زنان مشمول این تغییرات نبوده‌است و قوانین، مذاهب و سنت‌های مختلف همه در جهت ضمانت این عدم تغییر، شکل گرفته‌اند.» در واقع این روسپیگری نبود که رابطه جنسی را از حوزه لذت مشترک خارج کرد بلکه خانواده تک‌همسر بود که به‌خاطر دفاع از مالکیت خصوصی سکس را تبدیل به کالا کرد و دختران تبدیل به اموالی شدند که بسته به قابلیت‌شان برای تولید ورثه، با زمین، احشام و یا پول نقد مبادله می‌شدند. کارگران جنسی کلکته، سال ۱۹۹۷ در مانیفستی [۶] این موضوع را این‌گونه بیان کرده اند:

«مالکیت خصوصی و حفظ مردسالاری به کنترل تولید مثل زنان نیاز دارند. از آنجائی‌که ورثه مشروع سر رشته محافظت از اموال را به‌دست دارند، و آمیزش جنسی زن و مرد به خودی‌خود پتانسیل تولیدمثل دارد، سرمایه‌داری مردسالار تنها این شکل از زوجیت را به رسمیت می‌شناسد. رابطه جنسی در درجه اول و منحصرأ به چشم‌ابزاری برای تولیدمثل به حساب می‌آید و تمامی جنبه‌های میل و لذت باطنی آن نفی می‌شود.»

مانند اغلب مبادله‌هایی که در نظام سرمایه‌داری صورت می‌گیرد، اساس کار جنسی هم خرید و فروش کالا است. عموماً کارگر جنسی را «تن‌فروش» می‌نامند. کسی که بدن خود را می‌فروشد، که از آن‌جاکه در پایان مبادله مشتری «مالک» بدن کارگر جنسی نمی‌شود اصطلاحی غلط و بی‌مسما است. برخی از چپ‌ها و فمینیست‌ها به این ادعا که کارگر جنسی نیروی کار و خدماتی را می‌فروشد نه بدنش را خرده می‌گیرند و در جواب موقتی بودن این مبادله این طور توضیح می‌دهند که کارگر جنسی استفاده از بدنش را در ازای لذت جنسی دیگری می‌فروشد ولی این توضیح نیز گمراه‌کننده است. کسانی که سر و کارشان با سکس تجاری افتاده است، چه گوشه خیابان، چه محدوده چراغ قرمز و چه از طریق بنگاه‌های مربوطه، مطلع‌اند که برای خدمات جنسی هم تعرفه‌ای وجود دارد. این تعرفه اغلب به دلیل محدودیت‌های قانونی مکتوب نیست اما کاملاً در عرف این حرفه شفاف است. برای ارضاء دستی قیمت مشخصی وجود دارد، قیمت سکس دهانی معمولاً بالاتر است و بعد از آن آمیزش مقعدی و واژنی. گاهی هم تعرفه به شکل ساعتی است اما در آن هم خدمات جنسی که ارائه می‌شود کاملاً واضح و مشخص است. یعنی به هر صورت کالا، سکس – یا شکلی از رابطه جنسی – است نه بدن کارگر جنسی؛ و اشکال مختلف رابطه جنسی خلاف آنچه در پورنوگرافی نشان می‌دهند یا آنچه در عرف زناشویی رایج است به شکل «پکیج کامل» همه باهم در یک بار رابطه جنسی برقرار نمی‌شود.

ظلم، خشونت و بهره‌کشی

نویسنده این یادداشت با کسانی که معتقدند مشتری مرد مستقیماً از کارگر جنسی زن بهره‌کشی می‌کند مخالف است. قطعاً در رابطه کارگر جنسی- مشتری، مشتری تقریباً همیشه از نظر موقعیت اقتصادی برتری دارد اما او کسی نیست که از کارگر جنسی بهره‌کشی می‌کند؛ او در این رابطه صرفاً مصرف کننده‌است. این‌جا هم می‌خواهم از مقایسه انگلس میان روسپیگری و خانواده تک‌همسری کمک بگیرم. در خانواده تک‌همسری هم مرد قدرت و برتری‌های بسیاری در خانواده، مقابل همسر خود دارد اما او طی پروسه بهره‌کشی به این برتری نرسیده است. شوهر این موقعیت کلی برتری

مرد نسبت به زن را در سیستم سرمایه‌داری به ارث برده‌است. اشخاص دیگری در بازار سکس تجاری از کارگرجنسی بهره‌مندی می‌کنند. کارفرمائی که ممکن است پاندا، صاحب کلاب یا مادام باشد، اما به هر حال آن شخص مشتری نیست. البته مشتری‌هایی هم هستند که به‌نحوی از پرداخت پول در برابر خدماتی که دریافت کرده‌اند فرار می‌کنند اما اسم این کار دزدی است نه بهره‌مندی. این‌که مشتری‌ها از کارگران جنسی بهره‌مندی نمی‌کنند به این معنی نیست که به آن‌ها ظلم هم نمی‌کنند. بسیاری از کارگران جنسی تحت ستم مشتری‌هایی هستند که با آن‌ها رفتار خشن و تحقیرآمیز دارند. آن‌ها همین‌طور تحت ستم دولت‌هایی هستند که حقوق اولیه انسانی آن‌ها را به رسمیت نمی‌شناسد. کارگران جنسی در بسیاری از کشورها از خدمات بهداشتی، بیمه و حقوق بازنشستگی، داشتن حساب بانکی، اجازه سفر، حمایت قانونی و سرپرستی فرزندان‌شان محروم اند. نمونه‌های حاد خشونت علیه کارگران جنسی آمار بالای قتل و خشونت فیزیکی و مجازات‌های سنگین قضائی است. در بسیاری کشورها به خصوص آن‌هایی که تورسم جنسی از منابع درآمد کشور است، مکان‌ها و بنگاه‌های خرید و فروش سکس تحت نظارت دولت اداره می‌شوند که درآمد عظیمی را از این راه کسب می‌کند و در بودجه کشور نیز لحاظ می‌شود، اما این مورد نیز تأثیری در وضعیت کارگران جنسی ندارد و از فقر و بهره‌مندی و خشونت علیه‌شان نمی‌کاهد. در این کشورها همچنین سیاست‌های تبعیض‌آمیز و تحقیرآمیزی مانند تست اجباری «اچ آی وی» و صدور کارت سلامت برای کارگران جنسی رایج است که هدف آن نه حفظ سلامت کارگر جنسی، که راحتی خیال مشتری و رشد بازار تجارت سکس است. افراد عادی جامعه نیز حتی در کشورهایی که منع قانونی برای این حرفه وجود ندارد چندان با کارگران جنسی و فرزندان‌شان خوش‌رفتار نیستند.

با وجود همه این‌ها چرا زنان جذب بازار کار جنسی می‌شوند؟ معمولاً ترکیبی از دلایل و تجربه‌های مختلف زنان را به شروع سکس تجاری سوق می‌دهند که کلیشه‌های موردعلاقه روان‌شناسان و جامعه‌شناسان مانند تجربه آزار جنسی در کودکی یا وابستگی به مواد مخدر، از دلایل عمده آن نیستند. دلیل مهم و اصلی بی‌پولی است. بی‌پولی می‌تواند نسبی یا مطلق باشد. بسیاری از زنان سکس تجاری را گزینه مناسب‌تری در مقابل کارهای با حقوق کمتر، و بهره‌مندی بیشتر که در بخش‌های رسمی در دسترس‌شان است، می‌دانند. کارگران جنسی هند در بخشی دیگر از مانیفستی که بیشتر از آن گفتم به دلایلی که زنان کار جنسی را انتخاب می‌کنند اشاره می‌کنند:

«زنان به همان دلیلی به روسپیگری روی می‌آورند که ممکن بود هر راه امرار معاش دیگری را که گزینه‌اش برای‌شان مهیا بود، انتخاب کنند. سرگذشت ما اساساً تفاوتی با آن کارگر اهل بیهار که در کلکته ریکشا می‌کشد، یا آن کارگر اهل کلکته که پارموقت در کارخانه‌ای در بمبئی کار می‌کند، ندارد. برخی از ما به صنعت سکس فروخته شده‌ایم. حالا بعد از سال‌ها از کفالت «مادامی» که ما را خریده بود درآمده و به درجه‌ای از استقلال درون صنعت سکس رسیده‌ایم. ما بعد از ازسرگرداندن تجربیات بسیار و اغلب ناخواسته در زندگی، و بی‌هیچ آگاهی از همه عواقب روسپیگری سر از سکس تجاری درآوردیم. اما مگر بیشتر ما زنان گزینه دیگری خارج از خانواده برایمان مهیا بود؟ ناخواسته کارگر خانگی می‌شدیم؟ آیا ما در این‌که در چه سنی و با چه کسی ازدواج کنیم حق انتخابی داشتیم؟ انتخاب برای زنان، مخصوصاً زنان فقیر چندان معنای حقیقی ندارد.»

تشکیل‌یابی، با تکیه بر تجربه هند

گرچه موج اول جنبش کارگران جنسی از قرن نوزدهم و با اعتراضات کارگران جنسی پولند شروع شد و تا اوایل قرن بیست هم نمونه‌های تاریخی از حرکت‌های زنان هند و کنیای مستعمره و امریکای لاتین دیده می‌شود، ولی تاریخ رسمی تشکیل‌یابی کارگران جنسی از موج دوم و سال‌های ۱۹۷۰ و در پاسخ به شیوع «اچ.آی. وی» و مرگ‌های ناشی از بیماری‌های مربوط به ایدز، آغاز می‌شود. موج سوم جنبش‌های کارگران جنسی از سال‌های ۱۹۹۰ و در واکنش به

شیوع «اچ. آی. وی» و مرگ‌های ناشی از بیماری‌های مربوط به ایدز، به عنوان یکی از خطرات شغلی، در کشورهای در حال توسعه شکل گرفت. [۷] دست‌آوردهای موج سوم به خصوص در هند بسیار قابل توجه است. تشکلهای کارگران جنسی همیشه مورد این انتقاد قرار گرفته‌اند که بی‌توجه به مصائب کار جنسی، روسپیگری را بزکدوزک کرده، و فقط نماینده زنان طبقه متوسط و خرده بورژوازی این حرفه هستند که حتی پای‌شان به شوهای تلویزیونی هم باز شده‌است. اتحادیه‌های کارگران جنسی هند پاسخ درخشانی به این انتقاد اند. سازمان‌های کارگران جنسی هند نیز فراز و نشیب بسیاری را اغلب به تنهایی و بی‌حمایت فمینیست‌ها از سر گذرانند. برای فمینیست‌های هندی نیز مانند اغلب کشورهای، حمایت از کارگران جنسی تنها منوط به ترک حرفه و یا حداقل بیان این که مایل به ترک آن هستند و تأیید اسطوره قربانی نیازمند نجات توسط خواهران محترم و دلسوز، بوده‌است. اغلب فمینیست‌های هند تا همین سال‌های اخیر فقط دو حالت را در مورد کارگران جنسی در نظر می‌گرفتند. یاروسپی به‌عنوان قربانی و سمبل ستم نظام مردسالار که نیازمند نجات و ترک روسپیگری است، و یرنانی/اغفال شده و ناآگاه و فاقد اخلاقیات، و کارگزاران نظام مردسالار که نتیجه کارشان بازتولید خشونت و ستم علیه سایر زنان است. تنها گروهی از زنان عضو حزب کمونیست هند موضع دیگری داشتند. آن‌ها به دور از خطکش قضاوت‌های اخلاقی فقط به این علت که کار جنسی هم شکلی از کار است و باید همه حقوق و حمایت‌های سایر کارگران هم شامل حال کارگران جنسی بشود، با موقعیت زنان کارگر جنسی برخورد می‌کردند. [۸] تشکلهای کارگران جنسی تا اواسط سال‌های ۲۰۰۰ هرگز برای شرکت در کنفرانس‌های ملی زنان هند دعوت نشدند. اوایل سال‌های ۱۹۹۰ گروهی از کارگران جنسی خواستار شرکت نمایشی و آزمایشی در کنفرانس ملی فعالان زنان هند شد که این درخواست بسیار برای برگزار کنندگان برخورنده بود و در نهایت به این علت که گروهی فمینیستی یا مدافع حقوق زنان نیستند درخواست‌شان رد شد. اما سرانجام، اپیدمی «اچ. آی. وی.» و مرگ‌های ناشی از بیماری‌های مربوط به ایدز در شبه‌قاره و مسؤول و مورد هدف قراردادن کارگران جنسی زن در برنامه‌های پیش‌گیری، برخی از فعالان فمینیست. به‌خصوص در حوزه بهداشت و سلامت - را با تشکلهای کارگران جنسی همراه کرد. بی‌عدالتی در تمرکز بر کارگران جنسی به عنوان ناقل‌های اصلی عفونت، در برابر مشتری‌های مرد، برخی از گروه‌های فمینیست را به حمایت از اتحادیه‌های کارگران جنسی - در پافشاری بر استفاده کاندوم و حق نپذیرفتن مشتری که می‌دانند عفونتی دارد- واداشت. نتیجه گزارش‌های این تشکلهای نشان می‌دهد که وقتی حمایت و سازماندهی وجود داشته باشد، توانائی کارگران جنسی در انتخاب سکس مطمئن بالاتر از اکثریت زنان هندی است. براساس آخرین آمار درباره «اچ. آی. وی.» و ایدز در شبه‌قاره، از هر ده زن «اچ. آی. وی.» پازتیو هندی، هشت نفر از طریق شوهر مبتلا شده‌اند.

کمیته دوربار ماهیلا سامانویا [۹]، یکی از نمونه‌های تأثیرگذار و موفق تشکلهای کارگران جنسی در تاریخ این جنبش است. «دوربار» که به زبان بنگالی یعنی متوقف‌نشده، در سال ۱۹۹۲ در سوناگچی [۱۰]، بزرگترین محدوده چراغ قرمز کلکته، تأسیس شد و در سال ۱۹۹۷ اولین مانیفست کارگران جنسی هند را منتشر کرد و امروزه ۶۵۰۰۰ عضو کارگر جنسی زن و مرد و ترنس در ایالت بنگال غربی دارد. دوربار در زمینه حقوق زنان، ترویج حقوق کارگران جنسی و حمایت از فرزندان‌شان، مبارزه با قاچاق زنان و پیش‌گیری از «اچ. آی. وی.» و مرگ‌های ناشی از بیماری‌های مربوط به ایدز فعالیت می‌کند. «اهداف سیاسی دوربار در مبارزه برای به رسمیت شناختن کار جنسی به‌عنوان شغل و کارگران جنسی به‌عنوان کارگر، و برای تأمین امنیت اجتماعی کارگران جنسی و فرزندان‌شان صریح و روشن است. دوربار خواستار جرم‌زدائی از کار جنسی بزرگسالان و به دنبال تغییر قوانینی است که حقوق انسانی کارگران جنسی را به رسمیت نمی‌شناسند و تلاش در مجرم‌سازی آن‌ها دارند و آزادی و حقوق آن‌ها به عنوان شهروند کامل را محدود می‌کنند.»

در پایان این‌که در جامعه طبقاتی رابطه جنسی هرگز نمی‌تواند کاملاً از مناسبات اقتصادی جدا باشد. کار جنسی از آن جهت آسیب و یا خطر اجتماعی به حساب می‌آید که زن این مناسبات را خارج از چهارچوب خصوصی خانواده و اهداف آن برقرار کرده‌است. زندگی کارگران جنسی اغلب سخت و بسیار پرخطر است. مجرمیت حرفه و انگ‌های اجتماعی، در برابر خشونت مشتری و بهره‌کشی پاندا از آسیب‌پذیرشان کرده‌است. بسیاری از کارگران جنسی از وضعیت‌شان ناراضی‌اند و شاید اگر آلت‌رناتیو دیگری برای‌شان موجود بود این حرفه را ترک می‌کردند. ولی آلت‌رناتیو واقعی کارگر جنسی در نظام سرمایه‌داری فقط الینه‌شدن در حرفه‌ای دیگر است. دیگر این‌که در نظام سرمایه‌داری مشاغل جنسی نیز طبقه‌بندی مختلف دارند و باید در تحلیل‌ها و نظریه‌پردازی و برنامه‌ریزی‌ها این مسأله را در نظر بگیریم؛ نه باورهای اخلاقی و تصوراتمان درباره این‌که سکس در حقیقت باید نماد و نمایش چه چیزی باشد، و یا ترس‌هایمان از این‌که کارجنسی در بهره‌کشانه‌ترین وضعیت به چه صورت در خواهد آمد. به همین خاطر است که من معتقدم تشکلهای کارگران جنسی کلید اصلی مبارزه با ستم و بهره‌کشی‌اند. این تشکلهای با توجه به جایگاه طبقاتی‌شان باید توسط اعضای این صنف اداره شوند نه این‌که به دستان نجات‌بخش سازمان‌های حقوق بشری سپرده شوند که دنبال استخدام و بهره‌کشی از آن‌ها به شیوه‌های دیگر، و کنترل حد و مرز خواسته‌های سیاسی و اجتماعی‌شان هستند. طبعاً در جامعه‌ای که ما آرزویش را داریم مشاغل جنسی، لااقل با چهره فعلی وجود نخواهند داشت، همان‌طور که هر شغل دیگری؛ و همان‌طور که نهاد خانواده. ممکن است آن زمان هم کسانی به عنوان متخصص به این حرفه پردازند؛ ولی روابط جنسی، رها از مالکیت خصوصی، تقدس خانواده، و کنترل دولت، به شکلی تکامل خواهد یافت که ما فقط می‌توانیم با مقاومت و مبارزه در جهت تحقق آن بکوشیم.

یادداشت‌ها:

[۱]. Hetaerae[2]. Kamathipura : <http://en.wikipedia.org/wiki/Kamathipura>

[۳]. ف. انگس. *منشا خانواده، مالکیت خصوصی و دولت*؛ فصل دوم، بخش چهارم، خانواده‌ی

[http://www.marxistsfr.org/farsi/archive/marx/works/۱۸۸۴/mansha-](http://www.marxistsfr.org/farsi/archive/marx/works/۱۸۸۴/mansha-tk-hmsr)

[khanevadeh4.pdf](http://www.marxistsfr.org/farsi/archive/marx/works/۱۸۸۴/mansha-tk-hmsr)[4]. Alexandra Mikhailovna Kollontai

[۵]. Prostitution and ways of fighting in

[۶]. Sex worker's Manifesto, <http://www.marxists.org/archive/kollonta/1921/prostitution.htm>

Calcutta 1997: <http://www.bayswan.org/manifest.html>. M. Chateauvet. Sex workers Unite:

[فمنیست‌ها و 8]. A history of the movement from stonewall to slat walk; Beacon Press, 2014.

کارگران جنسی: درس‌هایی از تجربه‌ی هند، سخنرانی سریلانا باتیلوالا، کنفرانس زنان و توسعه، بنگلور

[۹]. **Durbar Mahila** <http://www.campaignforequality.info/spip.php?article9626> ۱۲۰۱۰

Samanwaya Committee: <http://www.durbar.org/> [۱۰].

Sonagachi <http://en.wikipedia.org/wiki/Sonagachi>

«منتشر شده در» تز یازدهم

یادداشت:

وقتی کار جنسی و یا همان روسپیگری به مثابه واقعیت تلخ و دردناک پذیرفته شده و به دوام آن تمکین گردد، شاید بتوان با تحلیل نویسنده و احترامی که برای اتحادیه‌های هندی قایل است پی برد و این درست همان چیز است که نباید صورت

گیرد. یعنی نباید به سرمایه اجازه داده تا تن و قسمتی از بدن انسان را به کالا مبدل ساخته و آن را به فروش بگذارد. جهت رسیدن به چنین آرمانی که تن و بدن انسان به مثابه کالا خرید و فروش نگردد، به نظر ما، راه حل تمکین به مناسبات و رفتن پای اتحادیه های شغلی نیست، بلکه راه حل اساسی و ریشه ای در بر انداختن و از بین بردن مالکیت خصوصی و نظام های مبتنی بر سرمایه است. تاریخ سه دهه اول شوروی دیروز و سه دهه آغازین در چین، گواه بر آن است که پرولتاریای پیروزمند آن کشورها توانستند، فحشاء و روسپیگری را در کل از جامعه بردارند و به گفته انگلس عالیتزین رابطه بین دو انسان یعنی رابطه جنسی را در همان مسیر طبیعی آن قرار بدهند. یکی از بزرگترین افتخاراتی که آن نظامها با خود آورده و هیچ نظام دیگری نتوانسته و نمی تواند مشابه آن را به وجود بیاورد.

اداره پورتال AA-AA